

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۳ اپریل ۲۰۲۲

"شریف" ها و استفاده ابزاری شان از طالب!

سه شنبه ۲۳ حمل ۱۴۰۱ - کابل: هر چند یادداشت امروز در خطوط کلی آن می تواند ادامه یادداشت دیروز باشد، با آنهم به نسبت تمرکز بیشتر بر خاندان "شریف" و روابط تنگاتنگ آنها با عربستان سعودی، اسرائیل و امریکا، از عنوان خاصی خود برخوردار شده است. نخست از بدیهیات و دانستنی های خود حرکت می نمائیم:

۱- حداقل از ۴ دهه بدین سو، افغانستان عرصه رقابت و میدان جنگهای خونینی نیابتی بین قدرت های بزرگ جهانی یعنی چین، روس، امریکا و انگلیس و قدرت های منطقه ئی ایران-عربستان و پاکستان و هند بوده است. در این ۴ دهه بارها یکی و یا چند طرف درگیر و منازعه قادر شده اند، تا با زیر پای نمودن اجساد قربانیانی از مردم افغانستان، پیروزی هائی را هر چند موقت در مقابل حریفان شان ثبت نمایند.

۲- تا جایی که به نقش حاکمیت های پاکستان در تعیین ستراتیژی سلطه طلبانه شان بر افغانستان بر می گردد، در تمام این سالها چه حکومت نظامی در پاکستان حکم رانده و چه هم به اصطلاح حکومت غیر نظامی؛ این ارتش پاکستان در پیشاپیش آن استخبارات نظامی آن کشور بوده که تصمیم گرفته در افغانستان چه شود و چه نشود، یعنی در تمام این مدت دولت پاکستان فقط ابزاری بوده جهت تحقق اهدافی که ارتش آن کشور در قبال افغانستان تعیین نموده است. نقش این حاکمیت ها از باند خاندان "بوتهو" گرفته تا باند خاندان "شریف" و این اواخر "عمران خان" صرف تعميل اراده و خواسته های ارتش پاکستان بوده خود بیشتر نقش نمایشی داشته اند.

۳- دو حزب سیاسی که در تمام این سالها به مثابه ابزار دست ارتش پاکستان سیاست های آنها را در داخل افغانستان پیش برده اند، "حزب مردم" که نه حزب" بود و نه با "مردم" سروکاری داشت، فقط باندی بود در خدمت خاندان "بوتهو" که شدیداً وابسته به امپریالیسم انگلیس بودند و دیگری "مسلم لیک" که اینها هم نه چیزی از اسلامیت با خود داشتند و نه هم حزبیّت، فقط باندی بود در خدمت خاندان "شریف" که عمیقاً با عربستان سعودی، اسرائیل و امریکا در زد و بند قرار داشته و دارند.

در این میان باندی که زیر نام "تحریک انصاف" به وسیله ارتش پاکستان با محوریت "عمران خان" سازماندهی شد از بسا جهات با دو حزب قبلی متفاوت بود. چه به علاوه فقدان سابقه و نوتأسیس بودن، شخص "عمران خان" از خانواده های پشتون پنجاب برخاسته، از لحاظ قومی به اقلیت پشتونهای پاکستان تعلق داشت، به همین سان از لحاظ روابط و

پشتوانه خارجی، علی رغم روابط نزدیک با انگلستان، از حمایت چندان آنها برخوردار نبود در نتیجه ضمن تکیه بر ارتش، روابط نزدیکی با چین، روسیه و ایران برقرار نموده بود.

۴- حال وقتی می بینیم که "عمران خان" در یک توطئه آشکار امریکائی از کار برکنار می گردد و به جایش "شهbaz شریف" به قدرت می رسد باید متوجه آن تغییراتی که در مواجهه با افغانستان در سیاست های پاکستان خواهد آمد باشیم. یعنی نزدیکی برده وار خاندان "شریف" به عربستان سعودی که در حمایت تمام قد عربستان سعودی از "نواز شریف" برادر بزرگ "شهbaz" و صدراعظم اسبق پاکستان خود را نشان داد، بستر همکاری های جدید را برای ارتش پاکستان و عربستان سعودی به وجود آورده است تا یخ های قبلی روابط شان را ذوب نماید.

در این میان خواست عربستان سعودی، حمایت قاطع و همه جانبه ارتش پاکستان از تجاوز عربستان بر یمن و ایستادن در کنار عربستان حین مواجهه با ایران می باشد، در حالی که خواست ارتش پاکستان فقط دریافت پول بیشتر جهت حفظ و سیر نگه داشتن شک قطور ارتش پاکستان است.

۵- بر مبنای این داده ها وقتی می بینیم که به محض برداشتن "عمران خان" در افغانستان اتفاقات جدیدی در حال وقوع اند، یعنی از یک از جانب سخت تلاش صورت می گیرد تا نظام آخندی ایران را با برادران اعتقادی شان یعنی طالب زنجیر به زنجیر کنند و ترور دیپلماتهای ایران در سال ۱۹۹۶، یعنی زمانی که "نواز شریف" بر پاکستان حکم می راند، در هرات و کابل و خوست را دوباره سازی کنند و از جانب دیگر پرواز ده ها درون بی صاحب در فضای افغانستان به گردش آغاز می نمایند، دیده می شود که "شهbaz شریف" نمی خواهد زمان را از دست دهد، از یک جانب به خواست امریکا تمکین می کند و به ارتش امریکا اجازه می دهد تا با عبور از پاکستان، بر فضای افغانستان نظارت نماید و از جانب دیگر با به هم زدن روابط نسبتاً آرام بین رژیم ولایت فقیه و نظام ملاسالار، طالب و نظام ملاسالار را کش کشان به طرف عربستان و اسرائیل ببرد.

۶- سؤالی که می تواند پاسخ قاطع خود را در چند روز آینده واضحاً بیان دارد، تأثیر تغییرات پاکستان بر بالای افغانستان است. تا جایی که از روند قضایا بر می آید اگر کدام تغییر جدی و یا فشار جدی از طرف چین بر ارتش پاکستان وارد نشود، خاندان "شریف" به مثابه سگان زنجیری عربستان سعودی، اسرائیل و امپریالیسم امریکا، به همین زودیهها تلاش خواهد نمود تا جهت برگرداندن طالب به طرف غرب، نظام ملاسالار از جانب عربستان سعودی و امارات و خود پاکستان به رسمیت شناخته شود.

واضح است که چنین چرخشی بدون عکس العمل نمانده رقبای منطقه ئی پاکستان و عربستان در وجود ایران و هند و رقبای جهانی و منطقه ئی امپریالیسم امریکا در وجود چین و روسیه، تنور جنگ در افغانستان را از طریق عمل شان فروزانتر خواهند ساخت.

هموطنان گرامی!

مسأله افغانستان آنقدر مغلق و پیچیده شده که واقعاً برای هر عملی می باید اصل "صد بار کز کنید و یک بار ببرید" را نصب العین خود قرار داد ورنه چه بسا با نیت نیک راهی دوزخ شد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!